

خودسری نه!

متن فرمان :

مالک! ما همه گسرها هیچگاه در مشاوره شرکت نموده و با آنها

مشورت نکن

۱ - بخیل ، او حازه ترا از فقر و تنگدستی می ترساند و از
فقره آسان باز میدارد ، چنین کسی لایق مشورت نیست .

۲ - ترسو ، او ترا از اقدام بر کارهای بزرگ می ترساند و
سجاعت را سلب می کند .

۳ - حریص ، او حرص و آرزو تحریک می کند و تو را
بر جمع مال ولو بجزمت ظالم و ستم هم شده تشویق مینماید .

این سه کسی بناظر صفات باخل و حین و حرص لایق مشاوره
نیستند و تو مگویم که این صفت نگویده گرچه هر کدام صفتی
جدا گانه و فریزمائی علیحدگی باشد ولی همه در یک چیز مشترکند
و آنستند ظن و بدگمانی نسبت به پروردگار متعال است...

توضیح و تفسیر

درستوف مدنی اسلام ، اداره امور کشور و نحوه اجرای قوانین ، تنها از راه مشاوره و
مراجعه با فکر عمومی شروع دانسته شده دامنه دار حق ندارد با خود کاشکی و استبداد رأی
امور کشور را اداره نماید .

رسول گرامی اسلام پیش از جنگ احد ، وقتی خبر دادند که کفار قریش برای جبران
شکست و بدر ، تصمیم گرفته اند بمدینه حمله ور شوند ، عقیده داشت که صلاح مسلمانان نیست
از شهر خارج شوند و جنگ کفار بروند بلکه بهتر است در شهر سنگر بگیرند و دفاع پیردازند
ولی وقتی با مسلمانان در این خصوص مشورت فرمود ، اکثریت رأی دادند که بهتر است شهر را
تخلیه نموده ، باستقبال دشمن بروند و گفتند یا رسول الله ! این رأی ماست ولی اگر شمارا ضعیف
نپاشد ما رأی خود گذشته از حضرت پیروی و متابعت می کنیم و در شهر میمانیم .

رسول خدا (ص) فرمود : در این مورد من دستور مخصوصی از جانب پروردگار ندادم بلکه
مأمورم که در اینگونه امور یا شما مشورت کرده ، تصمیم بگیرم . بنابراین چون عقیده اکثر شما
بر این است که از شهر خارج شویم همین کار را خواهیم کرد . این تصمیم بمورد اجرا درآمد
مسلمانان همراهِ پیامبر (ص) آماده خروج از شهر شدند و عبدالله بن ابی ، یکی از سران
منافقین گفت خروج از شهر صلاح نیست ، پیامبر (ص) فرمود : من هم همین عقیده را داشتم ، او

گفت: پس برگردیم.

رسول خدا (ص) فرمود: نه! چون اکثریت رأی داده اند که از شهر خارج شویم و ما هم تصمیم گرفته و برآه افتاده ایم دیگر بر نخواهیم گشت. نزل زلزله بود ولی برای ما خوب نیست. عبدالله با عده ای از منافقان برگشتند ولی پیامبر (ص) با احترام رأی اکثریت بر او خویش ادامه داد.

از این داستان تاریخی اهمیت اصله مشاوره در امور و مراسم بافکار عمومی در اسلام بخوبی روشن می شود. پیشوای ششم میفرماید (۱): «خود گامه و مستبد بر لبه پرتگاه ایستاده و به سقوط نزدیک است»

رسول خدا (ص) میفرماید (۲): «هیچگاه کسی با رعایت اصل مشورت بدبخت نمی شود و شخص خود گامه و مستبد نیز هیچوقت سعادت مند نمی گردد»

در حدیث دیگر پیامبر اکرم (ص) با عینی صریحتر نسبتها لزوم مشورت و مراسم بافکار عمومی را در اندازه امور کشور یاد آور میشود بلکه حق نجات و زندگی را موقوف بر رعایت اصل مزبور دانسته، «مرك و نابود را سزاوار ملت‌هایی میدانند که در حکومت استبداد بر سر می برند» (۳) «وقتی نیکان شما زمام امور را بگرفتند و در وقت نمانند شما دست و دل باز بودند و کارهای کمورتان یا مشاوره انجام گرفت روی زمین برای شما بهتر است از زیر زمین (برندگانی سزاوار ترید) و هر گاه نالایقان زماندار شدند و زود نمانند مثل وزید و کارها پاستداد و خود کامگی حل و فصل شد دل خاك برای شما بهتر است از روی زمین (در اینصورت مرك بر شما که حق حیات ندارند)

بنابراین امام (ع) در منشور تاریخی خویش اصل مشاوره را اصلی مسلم و لازم الاجراء فرض فرموده و تنها این نکته را تذکر می شوند که چه کسانی بایستی طرف مشورت قرار گیرند؟ آیا هر کس شایسته مشاوره است؟ هر فردی میتواند طرف مشورت زماندار اسلام قرار گیرد؟

امام معتقد است زماندار با کسی نباید مشورت کند: بخیل، ترسو، حریص زیرا بخیل هر گونه قدم اصلاحی را که مستلزم خارجگی باشد تاروا می داند. رسیدگی به

(۱) «المستبد بر آیه موقوف علی مداحض الزلل» سفینه البحار ج ۱ ماده رای.

(۲) ماشقی عبد قظ بمشوره و لاسد باسئنه رای، تفسیر ابو الفتوح رای ذیل آیه «باد کوشاورهم فی الامر».

(۳) اذا كان امر ائمتكم خیاركم و اغنیاءكم سمحائكم و امرکم شوری بینکم فظهر الارض خیر لکم من ظننھا و اذا كان امر ائمتكم شرارکم و اغنیاءکم بخلائکم و لم یکن امرکم شوری بینکم فظنن الارض خیر لکم من ظننھا (مدرك سابق)

پینوایان و دستگیری از هم‌زمانان را تحویل بر بودجه دولت میسرمد و زماندار را به بیانه کسر بودجه از راه فضیلت منحرف میسازد. ترسو نیز به عقیده امام (ع) لایق مشورت نیست زیرا به عقیده ترسو دفاع از مال و ناموس و وطن نسبتاً لازم نیست بلکه ترسوها همیشه به پیروی از منطلق ابوعبیره استراحت و لذت‌اندن زیر سایه درختان را از سرگت در میدان رزم بهتر میدانند!! و جانبازی و وفا کاری را اموری لغو و بیهوده می انگارند!

حریص نیز بدد مشورت نمیخورد زیرا وزیر و رئیس حریص جز مال اندوژی کاری ندارند، نصف آنها جمع پول است از راهی که ممکن شود در زمان چنین وزراء و رؤسائی روزی و در بر تعداد و مقدار آنها افزوده می شود و در نتیجه ملتها بیچاره تر میشوند در حالیکه شکهای حریص را هیچگاه سیری نیست و چه بسا بر سر آنها همان برود که بر سر دستمسم آخرین خلیفه عباسی رفت!

میگویند: دستمسم در جمع ا و آل سخت حریص بود، دو حوض داشت که سبی میگرد همواره از طلا پر باشد و از این جهت سخت مردم را می دوشید و بر بالان و ادرتشان نیز حقوق دینی میداد.

وقتی حلاکو خان مغول بغداد را گرفت و خلیفه را بزندان افکند، خلیفه در زندان گرسنه شد و از زنا بانهان خود دل خواست. جریانرا بر مرض و زبراعام خواجه نصیر الدین طوسی رساندند. خواجه دستور داد ظرفی پر از طلا برایش بپزند، او با دیدن طلاهای کشتیدو گفت: با شکم گرسنه در زندان طلا بچه درد میخورد؟

ماجرارا بخواجه گزارش دادند، خواجه که برای تنبیه او عمداً این وضع را پیش آورده بود فرمود: باو بگویند تو که میدانستی طلا حتی شکمی را سیر نمی کند پس چرا در جمع آن این اندازه حریص خرج دادی و حتی از سر باذات مضایقه کردی تا چایبکه حاضر نشدند از جان تو دفاع کنند؟!

بخیه از صفحه ۱۰

اسلام سیاسیست اصلاحی خود را. در ایجاد رابطه میان افراد و طبقات مسلمان و میان دولت اسلام و سایر ملل بر همین پایه استوار ساخت. منظور ما در این بحث استخراج قواعدی است که این حریمت برای تنظیم روابط بین المللی مقور کرده است. این قواعد علی دعو عنوان مندرج است!

(۱) قواعدی که اسلام بوسیله آن روابط خود را با دول دیگر تنظیم میکند.

(۲) قواعدی که اسلام بوسیله آن روابط خود را با رعایای غیر مسلمان در مملکت اسلامی استوار میسازد.

(ناتمام)